



### خطبه فدکیه سقیفه را رسوا کرد/ سوزناک‌ترین جمله خطبه فدکیه

آیت الله جوادی آملی گفت: آنچه بعد از رحلت رسول خدا اتفاق افتاد، ارتداد از عقلانیت به جاهلیت است. این خطبه فدکیه چه کرد که همه اتفاق کردند زهرا را از بین ببرند؟

آیت الله جوادی آملی گفت: آنچه بعد از رحلت رسول خدا اتفاق افتاد، ارتداد از عقلانیت به جاهلیت است. این خطبه فدکیه چه کرد که همه اتفاق کردند زهرا را از بین ببرند؟

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در جلسه درس اخلاق این هفته خود که در سالروز شهادت صدیقه کبرا فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در نمازخانه بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء برگزار شد ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت این بانوی بزرگوار، به شرح و تبیین قسمتی از خطبه فدکیه آن حضرت و شرح و تفسیر نهج البلاغه پرداخت و بیان داشت: اصرار وجود مبارک حضرت امیر(ع) در زمان حکومتش این بود که اسلام را به عقلانیت برگرداند و جاهلیتی که قبل از اسلام بود و بعد از رحلت رسول خدا(ص) به صورت اولی برگشته بود را بزدايد.

وی ادامه داد: آنچه بعد از رحلت رسول خدا اتفاق افتاد، ارتداد از عقلانیت به جاهلیت است، ارتداد از ولایت است نه ارتداد از شهادتین؛ وگرنه حکم اسلام برای همه بود، اینها یکدیگر را پاک می‌زدند؛ دانستند، با یکدیگر زناشویی داشتند، معامله داشتند، احکام اسلام بعد از سقیفه ثابت بود، منتها ارتداد از عقلانیت به جهالت بود، ارتداد از ولایت به غیر ولایت بود.

وی اظهار داشت: یک بیان نورانی امیرالمؤمنین در نهج&zwjz;البلاغه دارد که نظام حکومتی و مسئولان رسمی مدینه اتفاق کردند حضرت فاطمه(س) را از بین ببرند این برای چه بود؟ در هنگام دفن بدن مطهر زهرا(سلام الله علیها) وجود مبارک حضرت امیر(سلام الله علیه) رو به قبر مطهر پیامبر کرد عرض کرد &laquo;بِتَصَافُرُ أُمِّكَ عَلَى هَضْمِهَا&raquo;؛ اینها همه اتفاق کردند زهرا را از بین ببرند. این خطبه فدکیه چه کرد، چگونه سقیفه را رسوا کرد، چگونه حکومت آنها را زیر و رو کرد، چگونه افکار عمومی را علیه حقانیت آنها شوراند که همه اتفاق کردند زهرا را از بین ببرند وگرنه آن روزهای اول خیلی&zwjz;ها حاضر شدند به حضرت تسلیت بگویند، کاری به حضرت زهرا نداشتند، یک فدکی داشت آن را غصب کردند، اما این حضرت چه کرد در آن خطبه، چه گفت، چطور مردم را شوراند، چطور اسلام را به آن قلّه اولی&zwjz;اش معنا کرد، همه را زیر سؤال برد، لذا تمام مسئولین سعی کردند زهرا را از بین ببرند وگرنه حضرت کاری نکرد.

آیت الله جوادی آملی در ادامه سخنانش با تکیه بر بیانات نورانی حضرت امیر(ع) در نهج&zwjz;البلاغه به بیان مصائب صدیقه کبرا(سلام الله علیها) پرداخته و بیان داشت: در آن سخنانی که وجود مبارک حضرت امیر در هنگام دفن وجود مبارک حضرت زهرا(سلام الله علیها) به وجود مبارک پیامبر فرمود، امت اتفاق کردند فاطمه(سلام الله علیها) را از بین ببرند برای همین است، هنگام دفن رو کرد به قبر مطهر حضرت بعد از آن چند جمله اول عرض کرد &laquo;إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ! فَلَقَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَأَخَذْتَ الرَّهْنَةَ&raquo;؛ بعد از این جمله&zwjz;ها به حضرت عرض کرد رسول من! حُزن من دائمی است و شبی من مسهد است، مسهد یعنی کسی که شبش به بی&zwjz;خوابی می&zwjz;گذرد &laquo;وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْهَدٌ&raquo;؛ بعد فرمود: &laquo;وَسَتُنِيكَ ابْنَتُكَ&raquo;؛ دختر شما که به حضور شما آمد جریان را به شما می&zwjz;گوید، شما زیاد سؤال کنید او که اسرارش را به من نگفت، ولی شما زیاد سؤال کنید به شما می&zwjz;گوید &laquo;بِتَصَافُرُ أُمِّكَ عَلَى هَضْمِهَا&raquo;؛ همه اجماع کردند زهرا را از بین ببرند، برای چه؟ قبل از سخنرانی که اجماعی در کار نبود، چند نفر در را آتش زدند یا شکاندند، بین در و دیوار آسیب رساندند، اینها برای چند نفر بود، اما حالا همه مسئولان نظام اتفاق کردند که زهرا را از بین ببرند، این برای چه بود؟ آن خطبه فدک آبرویی برای سقیفه نگذاشت، آن خطبه فدک آبرویی برای حکومت آنها نگذاشت، کاملاً اینها را استیضاح کرد، صریحاً این آیه را خواند (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ)، شما غدیر را خانه&zwjz;نشین کردند، سقیفه را علنی کردید، عقلانیت را کنار گذاشتید، جاهلیت را آوردید.

وی در ادامه اذعان داشت: در بیانات نورانی حضرت امیر در نهج&zwjz;البلاغه هست که زیر این آسمان فدک برای ما بود شما طمع کردید گرفتید، ما درباره فدک حرفی نداریم، زمان وجود مبارک امام کاظم(ع) هارون عباسی گفت شما محدوده فدک را بگویید ما به شما برمی&zwjz;گردانیم، حضرت فرمود بر نمی&zwjz;گردانید، اصرار کرد که شما بگویید، فرمود از طرف شمال به فلان سلسله جبال ختم می&zwjz;شود از جنوب به فلان اقیانوس ختم می&zwjz;شود فرمود فدک یعنی خاورمیانه، فدک یعنی حکومت، فرمود ما برای یک تکه باغ دعوا نداشتیم. هارون گفت اگر این است که ما

فدک را برنمی‌زد؛ گردانیم. فرمود اصل نزاع صدیقه کبرا این بود وگرنه وجود مبارک حضرت امیر دارد آنکه برای ما بود ما به دیگران می‌دادیم، باغ خودمان را وقف می‌کردیم.

وی در ادامه بیان داشت: همه امت و مسئولین جمع شوند که فاطمه زهرا را از بین ببرند برای چیست؟ این خطبه فدک آن قدر قدرتمند بود که حکومت سقفی‌ها را زیر سؤال برد فرمود: (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ) بعد رو کرد فرمود آیا شما به قرآن از ما آشناترید؟! نوحه ما طلبه‌ها این جمله است، آن در و دیوار و اینها نوحه عاطفی است، این یک نوحه عقلی است. حضرت براهین فراوانی آورد که ما باید ارث ببریم، بعد فرمود مگر اینکه معاذ الله ما را از یک ملت نمی‌دانید، ما را مسلمان نمی‌دانید، چون غیر مسلمان از مسلمان ارث نمی‌برد، مگر در اسلام ما شک دارید؟ این سوزناک‌ترین جمله‌ای است که در خطبه فدکیه است، نوحه ما این است ما اگر تنها شدیم گریه می‌کنیم، برای این گریه می‌کنیم، آن در و دیوار گریه‌های عاطفی است، فرمود ما را مسلمان نمی‌دانید، اگر ما را مسلمان می‌دانید، مسلمان از مسلمان ارث می‌برد، من از پدرم ارث می‌برم، اگر مانع ارث ما هستید هیچ راهی ندارید، مگر اینکه معاذ الله در اسلام ما شک کنید. دیگر آبرویی برای سقفی‌ها نگذاشت، لذا همه مسئولان سعی کردند آن حضرت را از بین ببرند.

وی ادامه داد: یک رساله‌ای به نام العجب؛ هست که در این رساله نکاتی که تعجب‌برانگیز است را بیان می‌کند در این رساله این بزرگوار می‌گوید یک وقت یک زنی که در اسلام دومی ندارد و آن صدیقه کبرا (سلام الله علیها) است این آمده از مردم دعوت کرده بیایید علی‌بن‌ابیطالب (علیه السلام) را یاری کنید، غدیر فراموشتان نشود، آیه مباحله و تطهیر فراموشتان نشود، بیایید علی را یاری کنید چه کسی دعوت کرد؟ صدیقه کبرا؛ کسی جواب نداد بعد از گذشت یک چند مدتی یک ربع قرنی، یک زنی در همین مدینه قیام کرد گفت بیایید علی را بکشید، هزارها نفر شمشیر دست گرفتند حرکت کردند &عجب! آن وقت در این روزگار، انسان سالم بماند یک انسان عاقلی است، آن عقلانیت است که انسان را حفظ می‌کند وگرنه کسی بخواهد بر اساس عاطفه یا هوا یا امثال ذلک زندگی کند برای او بسیار سخت است.

آیت الله جوادی آملی در پایان سخنانش به شرح نامه پنجاه و هفتم نهج‌البلاغه و جریان عهدشکنی طلحه و زبیر پرداخته و اظهار داشت: در نامه 57 وجود مبارک حضرت امیر(ع) که بعد از جریان جنگ جمل شروع شد حضرت بعد از جریان جنگ جمل و عهدشکنی طلحه و زبیر که شروع شد اول نامه فرستاد که اینها بیایند قبول نکردند، اینها در بصره آن کارهای خلاف را انجام دادند بعضی را کُشتند و شورش علنی شروع شد، وجود مبارک حضرت امیر نامه نوشت برای طلحه و زبیر و برای عایشه منتها آن نامه عایشه در نهج‌البلاغه نیست آن نامه طلحه و زبیر در نهج‌البلاغه هست و اثر نکرد، این نامه 57 را به مردم کوفه نوشت که شما از نزدیک بیایید بررسی کنید، ببینید حق با من است یا با طلحه و زبیر، نگفت بیایید مرا یاری کنید و طلحه و زبیر را از بین ببرید، این عقلانیت است؛ فرمود شما که در مدینه نبودید، اول کسی که با من بیعت کردند همین طلحه و زبیر بودند، الآن آمدند علیه من شمشیر کشیدند، شما بیایید از نزدیک بررسی کنید، اگر من ظالمم دست مرا بگیرد یعنی جلوی ظلم مرا بگیرد، اگر من مظلومم یاری کنید، این همان عقلانیت است.